



نیروی عظیم درون انسان (۱)

شواهد فراوانی وجود دارد که آنچه در ذهن خود تصویر کنید به شرط تلاش و ایمان شما روزی در زندگیتان به واقعیت خواهد پیوست.

غصه خوردن و دل سوزاندن برای خود را فراموش کنید. سرزنش و عوامل بازدارنده دیگر ، موانعی هستند که باید بر آن ها فایق آمد. به خود بگویید: می خواهم به طور اساسی با افکار و تصمیمات و اهدافی نو شروع کنم و به این ایمان دارم که اگر نحوه نگرشم را تغییر دهم ، تغییراتی عظیم و مثبت در زندگیم روی خواهد داد.

شما تنها امروز را در اختیار دارید و اگر از آن به بهترین نحو استفاده نکنید، آن را برای همیشه از دست خواهید داد. برای این که در حرکت شتابان زمان مغلوب نگردید و همه برنامه ها و آرزوهایتان ، به دست فراموشی سپرده نشود و برای شروع دگرگونی در تفکر خود ، که نهایتاً زندگی شما را دگرگون خواهد کرد، دقت کنید آنچه به شکل افکار و احساسات در ذهن خود جای می دهید متعاقباً در جهان، شکل ملموس به خود می گیرد.

بنابراین باید این واقعیت اساسی را بپذیرید که وقتی افکارتان تغییر کند رویدادهای جهان بیرون شما نیز تغییر خواهد کرد. به عبارت دیگر شالوده اولیه امور پیش از رخ دادن در جهان بیرون ، در ذهن آدمی ریخته می شود و برای انسان که پرورده افکار خویش است فردا همان خواهد شد که امروز اندیشیده است.

باید باور کنید که این نیروی عظیم درون شما می تواند به موفقیت بیانجامد، به خود بگویید (تو می توانی ، می توانی) به ذهن خود فرمان دهید به کاری پردازد و آن چه را که خود می خواهید انجام دهید با احساس واقعی در ذهن تجسم کنید. بی تردید ، کل دستگاه ذهنی شما به کار خواهد افتاد . مهمتر از آن ، وقتی این تصویر را با ایمان و باور در ذهن داشته باشید تا زمانی که به واقعیت پیوندد، هم چنان قوی و موثر خواهد ماند. نه تنها باید مواظب افکار و احساسات خود باشید بلکه باید همزمان خود را در برابر افکار و احساسات منفی دیگران نیز بیمه کنید.



شادمانی شما ، عمدتاً وابسته به این است که درباره دیگران چه اندیشه ای در ذهن دارید ، نه این که آنها در مورد شما چه می اندیشند. آن همچنین بستگی به چگونگی واکنش شما نسبت به آن چه برایتان رخ می دهد دارد و نیز به میزان آزادی ذهنتان از نگرانیها، نفرتها و تعصبات مختلف یا احساس حقارت ، ناامنی و مانند آن، و این که آیا از آنچه می کنید یا از افرادی که با آنها کار می کنید و یا ارتباط دارید لذت می برید یا خیر. این که کبوتر با کبوتر و باز با باز پرواز می کند یک قانون عمومی است. بنابراین افکار خوب ، رویدادهای خوب را جذب کرده و افکار بد، رویدادهای بد را . بیاید افکاری را که تا کنون داشته اید مورد بررسی قرار دهید تا ببینید چرا برخی اتفاق ها برایتان رخ داده است و برخی دیگر نه.

تفکر به صورت تصویرهای ذهنی است و اگر چیزی را با قوت و اطمینان کافی در ذهن خود تصویر کنید، نهایتاً همان خواهد شد. حال که چنین است، در ذهن خود چه تصویری دارید؟ در گذشته چه نوع تصویرهایی در ذهن خود داشته اید؟

باید با خود چنین بیندیشید (می دانم که من امروزی، حاصل تفکرات گذشته هستم و همه آن چه اکنون برای من اتفاق می افتد، سرآغاز آن ، در دیروزهای من است . آن چه روشن، با اطمینان و قاطع در ذهن تصور می کنم، طرحی می شود که نیروی سازنده ضمیر ناخودآگاه من بر روی آن کار می کند).

خیلی زود خواهید دید که قدرت بسیار شگرفی در تصویر کردن آن چه می خواهید وجود دارد. وقتی نخستین بار فهمیدم که با فکرهایی که می کنم تجارب ناخوشایندی را به سوی خود می خوانم ، واقعا تکان خوردم مانند بسیاری از افراد ، دیگران و شرایط خارجی را عامل وضع نابسمان خود می دانستم فکر می کردم در آن چه برایم رخ می دهد تقصیری متوجه من نیست و با همین فکر آلام خود را تسکین می دادم و بعدها متوجه شدم که بین افکار و احساسات من و شرایط متعلق به من ارتباطی دقیق وجود دارد.